

۱۶۶۷۵

مجله	الاسلام
تاریخ نشر	مهر ۱۳۵۵
شماره	۲ سال دوازدهم
شماره مسلسل	
محل نشر	تهران
زبان	فارسی
نویسنده	محسن فقیر شیری
تعداد صفحات	۱ - ۶
موضوع	قرآن و علوم طبیعی (تدریس دوره انعام)
سرفصلها	
کیفیت	
ملاحظات	

عظم الله اجورنا واجوركم
بمصائبنا الحسين عليه الصلوة
والسلام

فهرست مندرجات

- (۱) تفسیر سوره انعام یا قرآن و علوم طبیعی
- (۲) الهیة و الاسلام
- (۳) قرآن و اخلاق
- (۴) تفسیر سوره یوسف ع
- (۵) متنوعات مفیده

شماره (۲)

- ۱ -

۵۵ / سال (۱۲) ۴۶

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قسمت اول

الحمد لله الذي خلق السموات والارض وجعل الظلمات والنور ثم الذين
كفروا بر بهم يعدلون
(ترجمه) ستایش و سپاس مختص است بخدای آنچنانیکه بیا فرید
آسمانها و زمین را و قرارداد تاریکیها و روشنی را پس از آن کسانیکه
کافر شدند به پروردگار خود شرك آورند

شرح و تفسیر

چون در این ایام تفسیر قرآن مجید در کلیه ممالک اسلامیة فوق العاده
اهمیت پیدا کرده و مخصوصاً عواطف معارف دولت علیه ایران که
تنها دولت مستقل اسلامی است توجه مخصوصی باین موضوع مهم فرموده
و از این رهگذر در عصر حاضر تفاسیر عدیده بطبع رسیده مانند تفسیر
کبیرا بوالفتوح رازی و تفسیر شبر و تفسیر اصفی فیض قدس الله ارواحهم
لذا این خادم خد متگذاران شریعت امساله بیش از پیش در این
قسمت قلم فرسائی مینماید و ضمناً کسانیکه تصور کرده اند که باعث

ضعف و سستی مسلمانان و دور افتادن آنها از تمدن و ترقی و تعالی امر و زی قرآن و اسلام است متذکر میسازد که این تصویر بی جا و این خیال خیال باطلی است قرآن مردم را به تحصیل علم و دانائی سوق داده قرآن اساس مدنیت جامعه بشریه را محکم و مستحکم فرموده قرآن آنچه باعث ترقی و تعالی بشر است با آنها آموخته متابعت قرآن انسان را با آخرین نقطه سعادت فائز و نائل خواهد نمود و بالجمله بجزائراً سوره مبارکه انعام را در نظر گرفته که در هر شماره محتویات آیات بینات او را تا حدی بعرض برادران خود برساند تفسیر آیه شریفه فوق الذکر در ضمن چند ماده ایراد میشود (۱) این کریمه مشتمل است بر رد چند فرقه از فرق باطله جمله اولی رد است بر اهل ماده و طبیعت که ما از بد و شروع به مجله الاسلام تا کنون کراراً بطلان عقاید آنها و احتیاج این عالم را بیک صانع حی قادر دانای بینائی که در اعلی درجه قدرت و توانائی و علم و عظمت است در کمال وضوح و تحقق مدلل داشته ایم در این مقام هم برای تحقیق مرام بد و اخلاصه عقاید آنها را در حدوث و تکون عالم و کیفیت پیدایش زمین و آسمان بعرض رسانیده سپس مفاد کریمه مزبور را بیان مینمایم این فرقه میگویند اصل عالم اجسام چیزی بوده در اعلا مرتبه لطافت بطوریکه ابد محسوس و ملموس نبوده در ازل الازل بسببی که ما علم با و نداریم متکاتف شده در نتیجه اجزاء صفاری که از آنها بجوهر فریاد یا جزء لا یتجزی تعبیر میشود پدید آمد این اجزاء کوچک پیوسته بیکدیگر را جاذب و مجذوب شدند تا از آنها آفتاب پیداشد آفتاب هم چندین میلیون از

سنوات دور خود میچرخند تا یک وقت قطعاً تی از او جدا شد که از جمله آنها همین زمین است که ما وی و مسکن ما است از آفتاب و بچه های او و بنظام شمسی یا خانه واده شمسی تعبیر میشود زمین پس از جدا شدن از آفتاب سالهای دراز بد و رخودد و رمیزد تا در نتیجه مشتمل بر بیست و شش طبقه شد این طبقات در شش دوره بظهور رسید عصر اصلی اولی عصر اتقالی عصر ثانی عصر ثالثی عصر طوفانی عصر لاحق طوفانی که قرن حالی است معدن و نبات و حیوان و انسا نهم خرد خرد بدریج بسبب عوامل طبیعی در زمین پیداشدند این است مجملی از مفصل مقالات این فرقه در کیفیت خلقت عالم و چون ادله و براینی که بطلان این مطالب را مدلل میدارد سبق ذکر یافته در این جا بطور اختصار میگوئیم اولاً این مطالب مجرد حدس و تخمین و فرض و خیال است و هیچ برهان قطعی بر اینها قائم نشده بلکه برهان قطعی عقلی بر خلاف اینها قائم است راستی خیلی تعجب است از بشر و جرئت و تهور و تجاسر او در خیال بافی و حدس و تخمین اگر یکی از ماها وارد شهری شود به بیند آن شهر مشتمل است بر خیا با نهایی وسیع موزون بسیاری عمارات و مغازهای مرتفع عالی در او بنا شده کارخانه جات کاغذ سازی نساجی قند ریزی ریسمان بافی و غیر اینها در خیا با نهها موجود است در کوچه و بازار و خیابان و خانه ها سیمهای چراغ تریک کشیده اند آلات و ادواتی برای تعدیل سرما و گرما نصب کرده اند لوله های آهن بسیاری برای تقسیم آب بیک میز آن مشخص معلومی در آن شهر نصب شده که آبرای وقت حاجت بخانه ها برساند لوله های آهنین دیگر برای بیرون رفتن

آبهاز بادی تلگراف خانه و تلفون خانه با تمام آلات و ادوات که در وقت مخازیره لازم است در نهایت نظم و ترتیب در آنجا ساخته و پرداخته شده در یکی از منازل داخل شده به بینیم کتابهای بسیاری در آنجا آماده و موجود است یکی از آنها مشتمل است بر علم هندسه دیگری علم حساب دیگری علم هیئت دیگری علم جغرافیا و مکتداسا بر کتابهای فلسفه و حکمت و علوم طبیعی با کاغذ و خط خوب مرغوب همه آنها در نهایت حسن و زیبایی آید در این حال عقل و دانش ما تجویز میکند که این شهر با این عمارات عالی و قصور راقیه و کارخانه جات عدیده و آن آلات و ادوات مزبوره مذکوره با آن نظم و نسق و ترتیب مخصوص خود بخود بخودی خود نباشد یا بسبب عوامل طبیعی بمرور دور و کر اعوام و شهور بر نهج معین قرار گرفته و همه آنها بر حسب تصادف و اتفاق است گمان نمیکنم هیچ عاقل دانشمندی چنین تصویری کرده یا چنین سخنی بر زبان جاری سازد شرف عقل و علم و انسانیت مانع است از اینگونه خیالات و خرافات البته هر ذی شعوری بطور قطع و یقین حکم میکند که شهر مذکور دارای يك مؤسس و مهندس دانای بینای قادر قاهری بوده که او را بان خوبی و زیبایی بنا کرده و موجبات راحت و زندگی اهالی را مهیا ساخته در این صورت بسی جای تعجب و شکفت است از کسیکه این عالم طویل و عریض با این اوضاع مهیج العقول زمین و آسمانرا به بیند کتابهای تکوینی الهی را در تحت مطالعه بیرون بیاورد طبقات موجودات و مخلوقات را از جمادات و نباتات و حیوانات صحرائی و دریائی که هر يك از آنها مشتمل است بر بسیاری

از ادله و شواهد ربوبیت مشاهده نماید بگوید صانع و موجد و مصور اینها طبیعت بی شعور کر و کور و لال است بنای عالی عالم را بنا و مهندس دانائی بیست کارخانجات عدیده را که در بدن و ساختمان انسان و حیوان ایجاد شده و هر يك بر آلات و ادوات عجیبه و غریبه اشتمال دارد هیچ يك را مدبر و مدبری نیست بلکه همگی در اثر عوامل طبیعی بوجود آمده یا للمجب در استکشافات کنونی حفاها که میخواهند بر احوال طبقات زمین و چگونگی قرون سالفه آگاهی یا بند سنکهای صلب سختی یا قته اندک بشکل بیل واره و نیزه و سنان است و جدان آنها حکم میکند که اینها آلات و ادوات امام ساخته بوده نوع بشر در چند هزار سال قبل بوسیله اینها کارهای خود را انجام میداده و اینها برای فواید و غایات معینه ساخته شده نه آنکه بمجرد تصادف و اتفاق باشد با وصف این حکم و مصالح بهت آور مخلوقات و مصنوعات را بتصادف و اتفاق نسبت میدهند منشأ این سخنها یا جهل و سفاهت است یا عاوذ شمنی با واقع و حقیقت و بالجمله آیه شریفه مزبوره بشر را بیدار کرده و آنها را بخالق و صانع خود و سایر موجودات دلالت فرموده میفرماید الحمد لله الذی خلق السموات والارض کانه میفرماید ای بندگان من بدانید که آسمان و زمین را خدای یکتای بی همتا خلق فرموده آنها همگی مخلوق اویند لا جرم حمد و ستایش بذات اقدس او اختصاص دارد و تا انسان تا حدی از علم هیئت (آسمان شناسی) آگاهی نداشته باشد بی معنی واقعی این کریمه نبرده و بمدلول او کاملاً معمول نداشته پس این آیه شریفه ما را تحریک میکند بان علم شریف مخصوصاً در قرآن

مجید در جاهای عدیده تحریر و ترغیب بتحصول این علم شده چنانچه
 براهل قرآن پوشیده و مستور نیست اگر گفته شود جهت چیست که
 سماوات را بلفظ جمع آورده و زمین (ارض را) بلفظ مفرد گوئیم
 جهت آن است که آسمانها در مرئی و منظر ما متعدد و زمین مفرد و یکی
 است اگر گفته شود در آیه شریفه (ومن الارض مثلهن) که در سوره
 طلاق است تصریح بعد از زمین شده و آنها را هفت عدد دانسته و آن
 با کلمه ارض که مفرد است منافات دارد پس بین این دو آیه تهافت و
 تنافی است گوئیم اولاً لفظ مفرد هر گاه اراده جنس از او شود
 منافاتی با جمع ندارد زیرا که جنس مثار کثرت است ثانیاً در استکشافات
 و هیئت کنونی مدلل داشته اند که سیارات هر یک مشتمل بر زمین و
 آسمانی هستند مثلاً سطح کره مریخ برای سکنه آن بمنزله زمین است
 برای ما و فضائی که اطراف او را احاطه کرده است بمنزله آسمان
 است برای آنها این مدعی در این مجله سبق ذکر یافته و بعد از این هم
 ذکر خواهد شد آیه شریفه واقع در سوره طلاق مشعر است بر آن
 مطلب و خود یکی از معجزات و اخبار غیبیه قرآن است و کریمه فوق
 ناظر است بوجدان و مقدار علم و اطلاع عامه مردم که زمین را یکی
 پنداشته و آسمانها را متعدد می بینند چنانچه قبلاً اشاره شده سوال
 دیگر آنکه چرا سموات را بر ارض مقدم داشته جواب (۱) بجهت سلاست
 لفظ و عذوبت کلام (۲) شرافت و افضلیت (۳) تقدم پیدایش
 و خلقت (بقیه در آینده)